



تجربه‌ای در مرمت کاشی معرق (مرمت کتیبه‌ی تیموری محراب مسجد جامع میبد)

امیرحسین کریمی

استادیار دانشگاه هنر اصفهان - دانشکده مرمت

(رایانامه: Ahkarimy@gmail.com)

چکیده

متن حاضر شرح بخشی از فعالیت کارگاه مرمت محراب مسجد جامع میبد است و به کتیبه کاشی معرق محراب با تاریخ ۸۶۷ هجری می‌پردازد. به دلیل اهمیت تاریخی کتیبه و رویکرد به اصالت در کل مرمت‌های مسجد، سعی بر حفظ کلیه قطعات کاشی و پرهیز از بازسازی بوده است. مراحل مرمت کتیبه رفع الحاقات و مستندنگاری، پاکسازی لبه‌ها، برداشت کتیبه از بدنه، پاکسازی گچ پشت کاشی‌ها، تثبیت، چیدن دوباره و گچ‌ریزی مجدد و سپس نصب مجدد کتیبه بوده است. پس از مرمت همچنین نتایجی در مورد شکل متفاوت محراب و احتمال جابجایی کتیبه و تعمیر پیشین آن به‌دست آمده است.
واژگان کلیدی: معرق کاشی، مسجد جامع میبد، دوره تیموری، محراب

An Experience in Restoring Mosaic Tiles (The Restoration of Timurid Inscription of Mihrab in Meybod Jame Mosque)

Karimy, A-H

Art university of Isfahan- Conservation Faculty

Abstract

This paper presents a part of restoration works on the main mihrab of Meybod Jame mosque and focuses on a tiled inscription which dates to 1462-3 AD. The historic importance of the inscription and main focus on authenticity in the whole restoration works in Meybod Jame mosque, made the preservation of all fragments and avoiding from major reconstructions a priority. Removing later alterations and documentation, cleaning of the margins, dismantling the tiles from the wall, removing backside deteriorated gypsum grouting, consolidation, reorganizing the fragments, grouting and re-installation of inscription were the steps of restoration work.

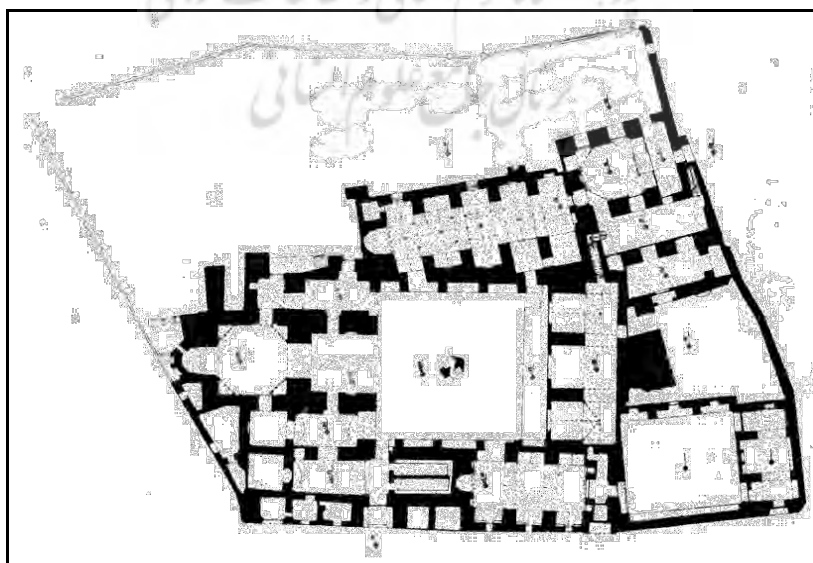
Keywords: Mosaic tiles, Meybod Jame Mosque, Timurid Period, Mihrab.

۱. مقدمه

مرمت کتیبه کاشی محراب مسجد جامع میبد، بخشی کوچک از کارگاه بزرگتر مطالعه و مرمت مسجد جامع میبد بود که با نقشه‌برداری محل آغاز شده و به‌صورت مداوم در برنامه پایگاه پژوهشی بوده است. اهمیت بنا از نظر جایگاهش در شکل‌گیری شهر میبد باعث شد شیوه برخورد با آن نیز حساسیت ویژه‌ای را طلب کند و مرمت در آن با پژوهش همگام باشد و گاه حتی جنبه‌های پژوهشی آن بارزتر شود. بنابراین مطالعات و نتایج به‌دست آمده در خلال کار نیز بخشی از متن است.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده تاکنون، مجموعه مسجد جامع میبد (شکل ۱) ترکیبی است از فضاهای متعدد و حتی چند مسجد جداگانه که در زمان‌های مختلف حول یک هسته قدیمی‌تر ساخته شده‌اند (نیکزاد، ۱۳۸۵). ظاهر فعلی بنا مسجدی تک ایوانی را نشان می‌دهد که نیم‌طبقه کم‌پوش آن مشابه دیگر مساجد بومی منطقه ظاهری شاخص به بنا می‌بخشد. پشت این ایوان گنبدخانه اصلی و در دو سوی صحن دو گرمخانه شرقی و غربی مسجد دیده می‌شوند. در دل مسجد جامع میبد، بخش‌هایی از یک مسجد شبستانی با آرایه‌ها و نمایی مشابه مسجد جامع فهرج پنهان است. خشت‌های $۷ \times ۳۴ \times ۳۴$ سانتی‌متری، ستونک تزیینی گوشه جرزها و اندود نازک سفیدرنگ با ردی از خطوط آبی مشابه مسجد فهرج، از خصوصیات این مسجد بوده است (همان). مسجد جامع میبد، همچنین آثاری از دوره‌های بعد را نیز در جای جای خود دارد که کار بررسی و تحلیل در مورد آنها موجب شده مرز دخل و تصرفات هر دوره در مسجد تا حدودی مشخص باشد. مهم‌ترین بخش دخل و تصرفات مسجد جامع میبد که ظاهر امروزی بنا را شکل داده است، آثار دوره مظفری و تیموری است.

گنبدخانه مسجد جامع میبد را اغلب به استناد وجود کتیبه کاشی مورد بحث در این مقاله، مربوط به دوره تیموری به تاریخ ۸۶۷ هجری دانسته‌اند (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴). آثاری از کاشی هم در کاوش‌های پیرامون مناره مسجد به‌دست آمده که امکان دارد مربوط به گنبدخانه یا مشابه آثاری باشد که در گنبدخانه وجود داشته است (شکل ۱۳). البته پژوهش‌های مربوط به این بخش به‌خصوص در کف و محراب هنوز احتیاج به تحلیل و بررسی بیشتر دارد.



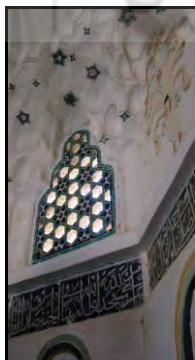
شکل ۱. ۱. پلان مسجد جامع میبد و فضاها و بخش‌های مختلف (نیکزاد، ۱۳۸۵)

۲- تزئین با کاشی در بناهای تاریخی میبد

علی‌رغم گسترده بودن تولید و کاربرد سرامیک و سفال میبد در طول تاریخ، پژوهش‌های جامع پیرامون تولید کاشی در کارگاه‌های سفالگری قدیم میبد در دست نیست. آنچه امروزه به‌عنوان صنعت سرامیک و کاشی ساختمانی در میبد دیده می‌شود نیز کمتر از ۳۰ سال عمر دارد. امروزه کاشی‌های منقوش حسینه‌ها و مساجد نوساز میبد را اغلب از اصفهان تهیه می‌کنند. اگر چه بخش بزرگی از تولید کاشی صنعتی ساختمانی کشور در شهرک صنعتی میبد انجام می‌شود. قدیمی‌ترین اثری از کاشی که امروزه در میبد دیده می‌شود، کاشی سردر مسجد جامع مهرجرد به تاریخ ۶۶۸ هجری است. این اثر به شیوه کاشی‌های نقش برجسته قرن هفتم که در یزد نیز نمونه آن یافت می‌شود ساخته شده است.

از کاشی‌کاری دوره مظفری در میبد، اثری مستند یافت نمی‌شود، تنها اثری که می‌توان با مطالعات تطبیقی به این دوره منسوب کرد، کفسازی اتاق چلیپا (طنبی) و پنجره کاشی‌خانه برونی است (کریمی، ۱۳۸۵). عمده آثار کاشی‌کاری تاریخی موجود میبد مربوط به قرن نهم است. کاشی‌کاری ازاره گنبدخانه و کتیبه سردر مسجد جامع بفرویه (۸۶۶ هجری)، پنجره مشبک معرق خانه کدخدا در همسایگی همین مسجد، کتیبه محراب و تزئینات ازاره گنبدخانه و کاشی‌های مقرنس محراب و پنجره‌های مشبک گنبدخانه مسجد جامع فیروزآباد (۸۶۶ هجری) نیز مربوط به همین حدود زمانی است. محراب مشابهی نیز در مسجد جامع بارجین وجود داشته که از آن به جز بخش‌هایی باقی نیست. در نهایت پنجره مکشوفه در اتاق چلیپای خانه برونی را هم با توجه به موارد مشابهش می‌توان از همین دوره دانست.

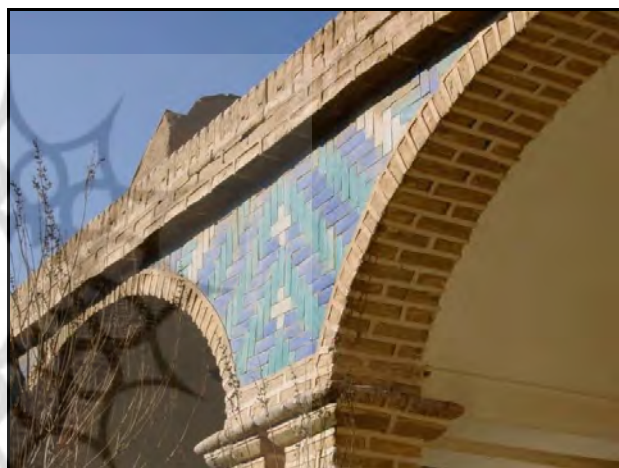
کتیبه محراب مسجد جامع میبد که موضوع متن حاضر است را نیز باید به کتیبه‌های دهه ۸۶۰ هجری میبد افزود. به نظر می‌رسد این دوره دوره‌ای از رونق‌نوسازی و پایه‌گذاری مساجد در محلات مختلف میبد بوده است. همچون بیشتر شهرهای منطقه یزد، در میبد نیز کاشی‌کاری دوره صفوی به زحمت یافت می‌شود. کتیبه معرق آب‌انبار مقیم فیروزآباد با تاریخ ۹۵۱ هجری، تنها نمونه معرق این دوره در میبد است. کاشی‌کاری قبری نیز در سردر مسجد جامع فیروزآباد با تاریخ ۱۱۰۸ هجری نصب است. از دوره پس از صفوی تا دوره معاصر اثر مهمی از کاشی‌کاری در بناهای میبد دیده نمی‌شود، در حالی که ظروف سفالی و سرامیکی از این دوره (با امضای سفالگران مختلف) بسیار باقی مانده است. آجرهای لعابدار تک‌رنگ که در نماسازی به کار می‌رفته، تنها نمونه کاشی از این دوران است.



اشکال ۲ تا ۴. کتیبه معرق سردر مسجد جامع بفرویه، پنجره کاشی گنبدخانه مسجد جامع فیروزآباد، کتیبه معرق آب‌انبار مقیم فیروزآباد (۹۵۱ هجری)



شکل ۵. قطعات کاشی به‌دست آمده از کاوش پیرامون مناره مسجد



اشکال ۶-۷. آجر لعابدار به‌کار رفته در نمای خانه‌ای در محله مهرجرد و کاشی صورت قبر نصب بر سر در مسجد جامع فیروزآباد مربوط به اواخر دوره صفوی.

۳. معرفی اثر مورد بحث

کتیبه کاشی محراب گنبدخانه مسجد جامع میبد تاریخ صفر ۸۶۷ هجری دارد. این کتیبه به‌صورت چهار ضلعی به دور یک مربع میانی دور می‌زده است. بخش وسطی کتیبه که امروزه گچبری با زمینه خاکستری دارد، در حالت اولیه آن متفاوت از شکل فعلی بوده و از بین رفته است. متن کتیبه صلوات دوازده امام به‌همراه تاریخ ساخت با خط نسخ است. بخشی از متن کتیبه ریخته و با گچ پر شده است. خط به رنگ سفید و زمینه خط به رنگ لاجوردی ساده است. نقطه‌ها و علائم به رنگ‌های متفاوتی اجرا شده‌اند. به نظر می‌رسد کتیبه چند بار تعمیر شده و به شکل فعلی در آمده است.

پیش از مرمت مهم‌ترین مشکل اثر ریختگی قابل ملاحظه کاشی‌ها در سمت راست کتیبه بود. در ابتدا با مشاهده شکستگی کاشی مربع بالا سمت راست اثر و در هم ریختگی قطعات و با ملاحظه تصویر قدیمی از اثر که وجود داشت (شکل ۸) و آسیب سازه‌ای در این بخش را نشان می‌داد، تصور شد که این ریختگی می‌تواند به دلیل همان آسیب قدیمی و جداسازی طاق و تمایل به راست افتاده باشد. در این شکل

محراب در سمت راست آسیب بسیار بیشتری را نشان می‌دهد. آب باران از محل جدا شدگی این بخش نفوذ کرده و روی تزئینات را پوشانده است.

آنچه از مقایسه تصویر مذکور با وضعیت پیش از مرمت اثر بر می‌آید، آن بود که از پایان دهه ۱۳۴۰ تا آغاز عملیات مرمت، یک دوره تعمیر روی کتیبه انجام گرفته است. ترک‌ها و شکاف‌های محراب پر و پیرامون آن سفیدکاری شده است. گچ سفیدکاری این بار بیش از قبل حاشیه کتیبه را پوشانده و تقریباً اثری از حاشیه بیرونی کتیبه دیده نمی‌شود. بازدن تکه به روی کتیبه در بخش‌های مختلف و مقایسه صدا مشخص شد که کتیبه در سمت چپ و ضلع پایینی در حال جدا شدن از بدنه و فروریختن است. بخش بالای کتیبه و قطعات در هم ریخته سمت راست استحکام بهتری داشتند (پس از برداشتن کل کتیبه از دیوار مشخص شد که این گمان صحیح بوده است). پوشیده شدن حاشیه داخلی کتیبه با گچ مشکل بخش داخلی کتیبه بود.



اشکال. ۸ و ۹. مقایسه تصویر قدیمی اثر (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴) و وضعیت پیش از مرمت

نکته‌ای خاص در مورد این کتیبه، ناخوانا بودن جهت قرارگیری خط در ضلع پایینی اثر است. بی‌نظمی در چیدمان قطعات و حمیل‌های کاشی در اثر این گمان را پیش می‌آورد که در تعمیرات پیشین اثر قطعات بدون توجه به نظم اولیه قرار گرفته باشند.

در مورد جهت قرارگیری خط در کتیبه‌های چهارضلعی، اثر حاضر با چند نمونه مشابه مقایسه شد. مشابه این کتیبه و به صورت چهارضلعی نمونه مربوط به مسجد میرعماد کاشان است. لیزا گلمبک و دونالد ویلبر در کتاب معماری دوران تیموری مستطیل خالی میان کتیبه مورد اشاره را محل نصب جام آینه دانسته‌اند (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴). شعر فوق از مولاناست که اشعار عرفانی‌اش بارها در کتیبه‌های این دوره به کار رفته است و کتیبه وقف یکی از مردم فیروزآباد میبد (قطب‌الدین شمس‌الدین فیروزآبادی میبد یزد) بر مسجد کاشان است. در مقبره زین‌الدین ابوبکر تایب‌الدی دو کتیبه مشابه به صورت مربع وجود دارد که تاریخ بنا (۸۴۸ هجری) را بر خود دارد. در مقبره عبیدالله احرار در سمرقند نیز کتیبه‌ای مشابه با مضمون آیات سوره شرح بر بالای محراب بنا دیده می‌شود. بنابر تاریخ فوت خواجه بنا در حدود ۸۹۵ هجری ساخته شده است (پاک آیین، ۱۳۸۳).

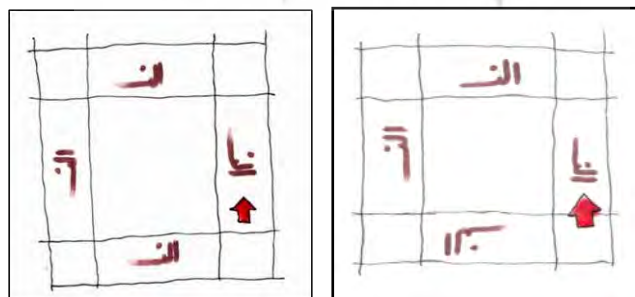
کتیبه‌های مذکور به صورت چهار قطعه به دور مربع وسط اجرا شده، ولی تفاوت آن با کتیبه فعلی آن است که در کتیبه میبد جهت قرارگیری حروف به صورتی است که کاملاً به دور قطعه وسط دور می‌زند ولی در کتیبه کاشان، تایباد و سمرقند همه قطعات به گونه‌ای نوشته شده‌اند که درست خوانده شوند. دو کتیبه مربع کوچک دو طرف ضلع پایین در کتیبه میبد البته به جهت صحیح قرار دارند.



شکل ۱۰. مستندنگاری وضعیت پیش از مرمت اثر (پس از لایه برداری حاشیه‌ها)



اشکال ۱۱ تا ۱۳. کتیبه معرق گوشه جنوب غربی صحن مسجد میرعماد کاشان (عکس از سروش کیایی)، مقبره زین الدین ابی بکر تائبی و عبیدالله احرار در سمرقند



شکل ۱۴. جهت نوشته شدن متن و محل آغاز کتیبه در کتیبه‌های مربع تیموری: از راست: ۱- کتیبه مسجد جامع میبد، ۲- کتیبه مسجد میدان کاشان، کتیبه مقبره زین الدین ابوبکر تائبی و عبیدالله احرار

۴- ارزش‌های خاص اثر مورد نظر و رویکرد کلی مرمت آن

به‌طور کلی اصلی‌ترین مشخصات اثر می‌تواند کلیدهای لازم برای تصمیم‌گیری در این مورد را فراهم کند. محل نصب این اثر در محراب اصلی مسجد جامع کهن میبد، هنوز محل برگزاری نماز جماعت است. این بخش تنها بخش تاریخ‌دار درون مسجد جامع و دربرگیرنده صلوات بر دوازده امام و پیامبر و در واقع از قدیمی‌ترین اسناد محسوس رسمیت تشیع در میبد است. بخشی از این کتیبه که امروزه در دسترس نیست و وجود ندارد (کلمات اللهم صل علی) در طی نصب و مرمت کتیبه در محل فعلی فروریخته و همچنین بخش عمده‌ای از حمیل کتیبه نیز مفقود شده است. این کتیبه به‌دلیل وجود نمونه‌های اندک از کاشی‌کاری تیموری در بناهای تاریخی میبد، ارزشی دو چندان دارد. بنابراین ارزش‌های استنادی-تاریخی اثر نادیده‌گرفته‌نیست.

از نگاه کلان مرمت‌های انجام شده در مسجد جامع میبد و روند پژوهشی آن بیشتر رویکرد باستان‌شناسی و تاریخ معماری دارد. این روند پژوهش و مرمت هنوز ادامه دارد و به‌خصوص کاوش در کف بنا ممکن است قطعات دیگر کتیبه را آشکار کند. همچنین شهر میبد شهری است که علی‌رغم فعال بودن سرامیک و کاشی‌صنعتی در آن، هیچ‌گونه کارگاه سنتی کاشی‌سازی و کاشی‌پزی وجود ندارد. حتی استادان انگشت شمار معرق و کاشی‌کار یزد نیز مصالح خود را از شهرهای دیگر تأمین می‌کنند. همه خصوصیات که در بالا آمد به اعتقاد نگارنده، تأکیدکننده بر این تصمیم است که مرمت اثر رویکرد باستان‌شناسانه دارد. بر همین مبنا تصمیم بر آن شد که در متن کتیبه هیچ‌گونه بازسازی انجام نگیرد و تنها در حاشیه‌ها به بازسازی پرداخته شود. نکته مهم دیگر احتمال برعکس نصب شدن کتیبه در تعمیر پیشین است که در صورت اثبات آن بهتر است کتیبه به‌صورت اصیل خود برگردانده شود.

۵- شرح مرمت انجام شده

الف) تمیزکاری، مستندسازی اولیه و پیاده‌سازی قطعات: به‌منظور برداشت و مستندنگاری اثر (تصویر ۱۰)، لبه‌های کتیبه می‌بایست پس از چند مرحله پوشش سفیدکاری، پاکسازی می‌گشت. در طول گچ‌برداری از حاشیه‌ها دریافته شد که بخشی از اثر کاملاً در هم ریخته و حمیل آن نیز از بین رفته است. این بخش با همان گچی که در وسط گچ‌بری را تشکیل می‌داد پر شده بود. حاشیه بیشتر قسمت‌های کتیبه زیر گچ رفته بود. پس از بیرون آوردن حمیل کلیه بخش‌ها از زیر گچ مشخص شد که این حمیل در بخش‌هایی که باقیمانده است، به‌هم ریختگی دارد. در طول گچ‌برداری همچنین ناپیوستگی بزرگی در کنار ضلع سمت راست کاشی‌ها پیدا شد که از پوشال و نخ و فضلہ پرندگان پر شده بود. دو سوی این ناپیوستگی شمشه‌های گچی قدیمی باقی مانده بود. همچنین اثری از تیشه‌زنی روی خشت و تراشیدگی نیز دیده می‌شد. در سمت چپ کتیبه نیز نظیر همین ناپیوستگی دیده می‌شد که با گچ و تکه‌های خشت و آجر پر شده و روی آن شمشه‌گیری گچی انجام گرفته بود (اشکال ۱۵ تا ۱۷). وضعیت نابسامان بدنه پشت و سستی ملات چسباننده کاشی‌ها چاره‌ای به جز برداشت کل کتیبه از بدنه و نصب دوباره باقی نمی‌گذاشت. به‌دلیل آزاد بودن کناره‌ها و همچنین سستی ملات پشت کتیبه برداشت تقریباً راحت انجام گرفت. اندازه و مرز قطعاتی که می‌باید برداشت می‌شد با استفاده از ریختگی‌ها و ترک‌های مختلف کتیبه تعیین شد و کل کتیبه با پارچه

پوشانده شد. پس از خالی کردن تدریجی پشت کتیبه کاشی‌ها از بدنه برداشته و به کارگاه مرمت منتقل شدند.



اشکال ۱۵ تا ۱۷. مشخص شدن ناپیوستگی دو طرف کتیبه پس از گچ‌برداری، در سمت راست حاشیه کتیبه کاملاً از میان رفته است.



اشکال ۱۸ و ۱۹. چسباندن پارچه روی کتیبه کاشی به منظور برداشت - قطعات کاشی یافت شده پشت کتیبه

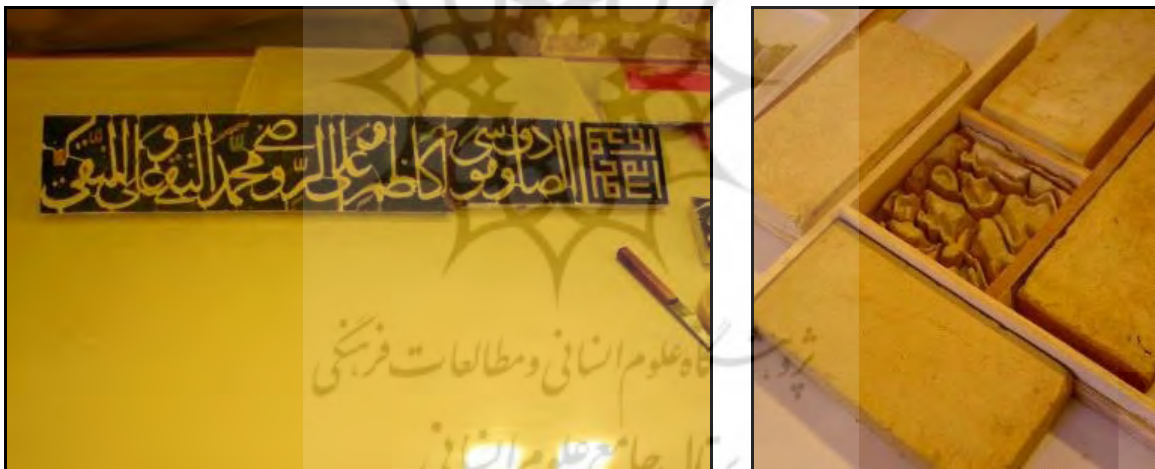
در هنگام برداشتن ملات گچ پشت کاشی‌ها مشخص شد که گچ استفاده شده در تعمیر و نصب مجدد با گچ پرکننده این بخش و گچ گچبری وسط یکسان هستند. این گچ بسیار سست بود و به رنگ زرد گچ یزد بود. در زیر لایه گچ توده‌ای از خرده آجر و خشت و در بین این توده قطعاتی از کاشی معرق کتیبه یافت شد (شکل ۱۹). به نظر می‌رسید این قطعات، بخش‌هایی بود که در هنگام تعمیر پیشین نشده بود به بقیه بخش‌های متن متصل شود. احتمالی که داده می‌شد آن است که کتیبه یکبار جابه‌جا شده و در نصب دوباره هم بخشی از حمیل گمشده و هم قطعاتی در ترکیب اصلی جای داده نشده‌اند. در مجموع تعمیر انجام شده بر کاشی‌ها بیشتر گمان آن را پیش می‌آورد که تنها برای جلوگیری از گم شدن قطعات منتقل شده و به خصوص به احترام اسامی مقدس کتیبه آن انجام شده و اجرا کننده زمانی که نتوانسته قطعاتی را در بین کاشی‌ها جای دهد، برای جلوگیری از گم شدنشان آن‌ها را در حفره‌ای پشت ملات نگه داشته است.

ب) پاکسازی پشت کاشی‌ها و تثبیت: پشت کاشی‌ها دو لایه ملات گچی دیده می‌شد. لایه اول گچ نصب بسیار سست و لایه دوم یعنی تخمیر بین کاشی‌ها جنس متفاوت و محکم‌تری داشت. در داخل این ملات دوم، ذرات خرده زغال نیز دیده می‌شد. در تعمیرات قبلی تعمیرکار کاشی‌ها را از هم باز نکرده و برای سرعت دادن به کار بخش‌های تکه تکه معرق را تنها در کنار هم قرار داده و پشت آن را پر کرده بود. در پاکسازی فعلی برای تثبیت و یکدستی اتصال قطعات، سعی بر آن شد که کاشی‌ها تا حد امکان از هم جدا و

کاملاً پاکسازی شوند. پس از جدا سازی و پاکسازی قطعات از گچ، به دلیل شکنندگی کاشی‌ها، کلیه قطعات تثبیت شدند. برای تثبیت قطعات از پارالوئید B72 ۵٪ در استن استفاده شد.



اشکال ۲۰ تا ۲۲. پشت کتیبه برداشت شده از بدنه - قطعات کاشی پس از برداشت ملات - چیدن دوباره قطعات (ج) چیدن دوباره قطعات و گچ‌ریزی پشت کار: مرحله پس از تثبیت، قطعات چیدن دوباره معرق بود. طرح یک به یک اولیه‌ای که پیش از شروع کار برداشت شد، در این بخش به کمک آمد. به شیوه سنتی ساخت معرق، برای جلوگیری از تکان خوردن قطعات، کاشی‌ها با سریش به سطح زیر چسبانده شدند. بخش‌های کمبود خالی گذاشته شد تا دوغاب گچ جای خالی را پر کند. برای نصب قطعات در پشت کتیبه‌ها، به فاصله مناسب از قطعات سیم قلاب‌هایی ساخته شد و داخل ملات نهایی قرار گرفت. این کار از سقوط قطعات در طول گیرش گچ جلوگیری می‌کرد و پیوند کتیبه را به بدنه محکم می‌کرد.



اشکال ۲۳ تا ۲۵. قالب آماده برای دوغاب ریزی - قطعات کاشی معرق پس از دوغاب ریزی (د) نصب قطعات: پیش از نصب قطعات باید محل نصب آماده می‌شد و محل کتیبه کاشی نسبت به کتیبه گچی تنظیم می‌شد. برای این کار اول لوحه‌های کاشی که همه اندازه یکسانی نداشتند به صورت گونیا روی سطح صافی قرار گرفت و مستطیل میان کتیبه که در واقع محل قرارگیری کتیبه گچی بود، ترسیم شد. برای پیاده نمودن مستطیل روی بدنه اصلی، وسط نقش گچبری به دست آمد و سپس خط شاقولی وسط کتیبه با خط وسط مستطیل ترسیم شده هم‌راستا گردید. پس از انجام این مراحل مشخص شد مستطیل وسط به دلیل منظم‌تر شدن قطعات کاشی معرق و پرشدن ناپیوستگی‌ها از حالت اولیه کوچکتر شده و در واقع قطعات در محل قبلی قابل نصب نیستند. نکته قابل توجه متقارن نبودن نقش گچبری وسط در حالت قبلی و زمینه نازک آن در سمت راست بود. در حالت پس از مرمت حد سمت چپ کتیبه حدود ۳/۵ سانتی‌متر به سمت راست متمایل می‌شد. به همین دلیل بخشی از

بدنه گچی در سمت چپ گچبری وسط بریده شد که این امر موجب ایجاد تقارن نقوش کاشی و گچبری نیز گردید. پس از نصب پیچ و رولپلاک و روی بدنه اصلی، آویختن لوحه‌های کاشی از پیچ‌ها و بستن دور کتیبه‌ها برای دوغاب‌ریزی انجام گرفت. در این کار بایستی تراز و در راستای شاقول بودن قطعات در نظر گرفته می‌شد. پس از محکم کردن کتیبه‌ها در جای خود با گچ تیز و دوغاب ریزی مرحله به مرحله، باید حمیل کاشی نصب می‌شد. بخش‌هایی از حمیل که مفقود شده بود با کاشی جدید و هم‌رنگ بازسازی شد. اندازه قطعات جدید حمیل بلندتر از قطعات اصلی بود. البته تا حد امکان از کاشی‌های اصلی باقیمانده استفاده شد.



اشکال ۲۶ تا ۲۸. دوغاب‌ریزی گچ پشت کتیبه- پر کردن بخش ناپیوستگی کنار کتیبه با گل-کتیبه کاشی پس از نصب و بازسازی حمیل

ه) رنگ‌گذاری بخش‌های کمبود: پس از اتمام نصب و سامان‌دهی کتیبه، ریختگی‌های اندک کاشی‌ها یا لعاب کاشی‌ها بیشتر خود را نشان می‌داد و باید موزون‌سازی می‌شد. برای پر کردن بخش‌های کمبود در این قسمت‌ها تصمیم بر انتخاب رنگی بود که در عین مشابهت از نظر فام و ماهیت رنگی با زمینه کاشی، قابل تفکیک بوده و در عین حال از رنگ اصلی زنده‌تر نباشد. در این بخش هدف از کار، بازسازی کتیبه و خط آن نبود و تنها ریختگی‌های پراکنده موزون‌سازی شد. پس از بسترسازی، رنگ‌گذاری با اکریلیک انجام گرفت و سپس با پارالوئید ۵٪ بخش رنگ‌گذاری شده پوشش دهی شد. پس از اتمام کار کاشی‌ها و لکه‌گیری بخش‌های ریز فروریخته، آنچه بیشتر به چشم می‌آمد کنتراست شدید بخش باقی مانده از ضلع راست کتیبه بود. نکته اول در مورد این بخش خالی مانده آن بود که رنگ سفید آن با رنگ سفید خط کاشی‌ها در هم می‌شد و بیننده را به اشتباه می‌انداخت. نکته بعدی تبدیل شدن فرم این قسمت به شکلی مزاحم در پیش‌زمینه کاشی‌ها و ایجاد اختلال بصری برای بیننده بود.

مسئله مهم انتخاب رنگ و بافت مناسب برای پر کردن این بخش بود. رنگ این قسمت بهتر بود رنگی خنثی و در عین حال نزدیک به بخش‌های کناری باشد تا گردش چشم روی کل کتیبه را تسهیل کند. در این بخش با کمک تصاویر کامپیوتری رنگ‌گذاری با رنگ‌های مختلفی مانند خاکستری و آبی روشن انجام گرفت. اما به دلیل وجود چند رنگ مختلف در متن کاشی‌ها اضافه کردن رنگی دیگر به کتیبه مشکل‌ساز بود. بهترین رنگی که در تصاویر کامپیوتری جواب می‌داد رنگ خود زمینه کاشی‌ها (لاجوردی) بود. برای تمایز بخش رنگ‌گذاری شده با اصل زمینه کاشی‌ها تصمیم بر آن شد که رنگ در همین رنگ‌مایه ولی کمی روشن‌تر ساخته شود. در عین حال با اضافه کردن کمی خاکستری به رنگ، مایه خالص و چشمگیر رنگ گرفته شد.



اشکال ۲۹ تا ۳۱. بخش‌های رنگ‌گذاری شده پس از تثبیت با پارالوئید- نمای کلی کتیبه و محراب پس از مرمت

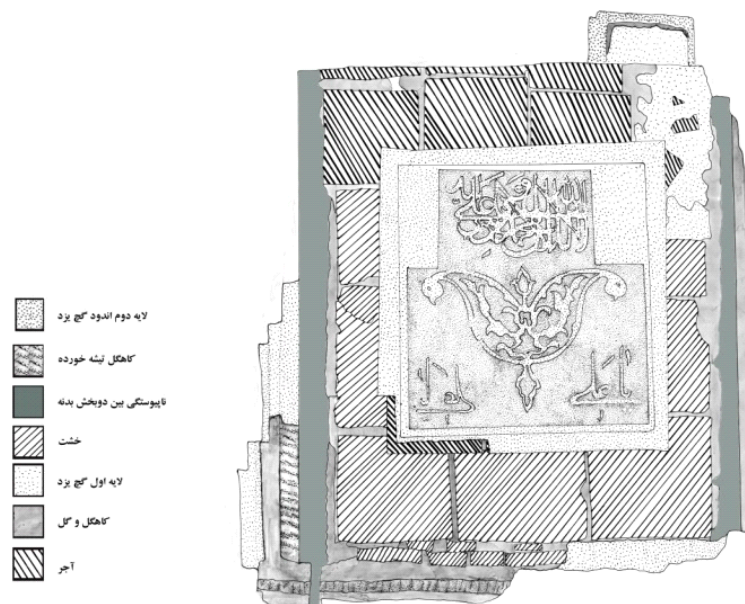
۶- تحلیل و نتیجه‌گیری: پس از پایان مرمت کتیبه کاشی محراب و مطالعات مربوط به آن نکات زیادی در باره وضعیت گذشته محراب و دوره‌های تعمیراتی آن به‌دست آمد. اگرچه در این بخش قصد هیچ‌گونه تحلیلی از معماری گذشته محراب مسجد جامع در میان نیست و نتایج به‌دست آمده هنوز آنچنان کامل نیست که تصویر درستی از گذشته محراب به‌دست دهد.

- شکل محراب مسجد و فضایی که اکنون در انتهای گنبدخانه مسجد جامع وجود دارد، شکل اصیل محراب نیست و استفاده و تعمیر مداوم، دگرگونی‌های زیادی را در آن باعث شده است.

- نکته مهم دیگر شکل خود کتیبه است که در اصل، میان آن گچبری فعلی قرار نداشته است. بخش میانی کتیبه می‌توانسته با پنجره مشبکی از جنس کاشی، گره‌چینی چوب یا گچ باشد. در مساجد فیروزآباد، دهنو و رکن‌آباد میبد پنجره هنوز در این قسمت وجود دارد. البته فعلاً در مورد این موضوع نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد.

- به‌دلیل امکان جابجا شدن کتیبه محراب و این که نصب آن در محل فعلی در تعمیرات متأخر این قسمت انجام شده و همچنین به‌دلیل آن که برای نصب کتیبه در محل فعلی بخشی از شمشه‌های دو سوی کتیبه تراشیده شده است، می‌توان نتیجه گرفت که محل اصلی نصب کتیبه (اگر کتیبه مربوط به همین مسجد باشد) در این بخش نبوده و تاریخ موجود روی آن (۸۶۷ هجری) نمی‌تواند سند دقیقی برای تاریخ این بخش از مسجد باشد. در مورد معکوس نصب شدن ضلع پایین کتیبه در تعمیر پیشین نمی‌توان نظر قطعی داد.

- مشاهده تعمیر پیشین انجام شده و نحوه برخورد شخص تعمیرکننده با کاشی‌ها مشخص کرد که چندان توجهی به متن کتیبه و خوانا بودن کلی آن نشده و قصد بیشتر حفظ قطعات کاشی بوده است. این مساله می‌توانست تأییدکننده این امکان باشد که کتیبه در پی تخریب یا تعمیر بخشی از مسجد به مکان فعلی آورده شده است. مشابه این اتفاق در کتیبه سردر مسجد جامع مهرجرد و در محراب مسجد جامع بارجین دیده می‌شود.



شکل ۳۲. نمای لایه‌های پشت کتیبه کاشی و سونداژ‌های اعمال شده

منابع

پاک آیین. م، (۱۳۸۳). خواجه احرار ولی: عارفی از سمرقند، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان، ش ۴۶، ۱۸۵-۱۹۴.

حاج‌قاسمی. ک، (۱۳۸۳). مساجد (از مجموعه گنج‌نامه) مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و انتشارات روزنه.

فلاح. ع، (۱۳۸۱) نظری اجمالی بر آبادی‌های بیرون حصار قدیم میبد مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد (منتشر نشده).

کریمی. ا.ح، (۱۳۸۵). نقش برجسته‌های گلی، گونه‌ای خاص از تزئینات معماری میبد، مجموعه مقالات میبد شهری که هست، پایگاه پژوهشی میبد و انتشارات نقش خورشید.

کشاوری. م، (۱۳۸۰). پژوهشی در مساجد تاریخی میبد، مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد (منتشر نشده).

نیک زاد. ذ، (۱۳۸۵). مسجد جمعه کهن میبد، مجموعه مقالات میبد شهری که هست، پایگاه پژوهشی میبد و انتشارات نقش خورشید.

ویلیبر. د. گلمیک. ل، (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه: کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی کشور.

روش ارجاع به این مقاله:

(کریمی، ۱۳۹۴)

کریمی. ا.ح، (۱۳۹۴)، تجربه‌ای در مرمت کاشی معرق (مرمت کتیبه تیموری محراب مسجد جامع میبد)، دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال ۳، ویژه‌نامه‌ی تخصصی حفاظت از آرایه‌های معماری، بهار، ۱۳۹۴، صص ۵۳-۶۴، در دسترس به آدرس:

<http://www.aui.ac.ir/index.php/fa/rsch>